

آموزش و سازماندهی ارتش ۲۰ میلیونی (بسیج): ضوابط و ضروریات یک الگوی موفق (۱)

محمد حسین زیبایی نژاد (نجات)
رئیس اداره طرح و برنامه ستاد مشترک
سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

خلاصه

طرح ارتش ۲۰ میلیونی با فرمان امام را حل، تحولی شگرف در جامعه ایرانی بوجود آورده و پایه های ارتش نوین مردمی را پی ریزی کرد. بسیج یا به تعبیر دیگر، ارتش ملی که مبتنی بر ایده های مکتبی پاسدار اعتقادات و مرز و بوم ایران اسلامی است، یکی از مهمترین نیروهای فعال در دفاع مقدس هشت ساله ایران می باشد. نظر به اهمیت بسیج (ارتش ۲۰ میلیونی)، بی مناسبت نیست که به مطالعه و بررسی برخی از الگوهای نیروهای مردمی در شرایط عادی و بحرانی و نیز ارائه مدلی متناسب با شرایط اجتماعی فرهنگی پردازیم. ذیلاً، محتوای مقاله در جهت بازگو نمودن الگوی موفق آموزشی و سازماندهی می باشد. آرایش نظامی و سیستم سازماندهی نیروهای مسلح هر کشور تابع عوامل مختلفی است که با تغییر آن، ساختار نظامی آن کشور نیز دگرگون می شود. جمهوری اسلامی ایران در حال حاضر موقعیت ویژه ای را کسب کرده است. عمده ترین دلایل این وضعیت عبارتند از:

۱ - موقعیت ژئوپلیتیکی ایران در منطقه و اهمیت خاورمیانه که همیشه مورد توجه ابرقدرتها بوده است.

۲ - مخالفت جدی ابرقدرتها با استقلال واقعی جمهوری اسلامی ایران و حاکمیت اسلام ناب محمدی (ص).

- ۳ - تهدیدات نظامی همسایگان و کشورهای مرتجع منطقه با ادامه انقلاب اسلامی.
- ۴ - آرمان گسترش انقلاب اسلامی و صدور آن در حمایت از مستضعفین جهان و آزادی سرزمینهای اسلامی خصوصاً قدس.

این دلایل موجب شده که تجاوز علیه این نظام استمرار یابد. ادامه سیاست خارجی کنونی کشور که مبین استقلال و عدم وابستگی به ابر قدرتهاست، ایجاب میکند که نظام دفاعی قدرتمندی در کشور بوجود آید، تا تجاوز احتمالی دشمن را با شکست روبرو سازد. لازم به یاد آوری است که به دلیل عدم کسب برتری تسلیحاتی و پیچیده و استراتژیک نظامی کوتاه مدت نسبت به همسایگان و دشمنان و نیز به علت سرمایه گذاری های کلان، ضروری است، در برابر دشمنان به شیوه هایی دست یافت که طی آن به توان والای نیروی انسانی جامعه توجه کرده، با تأکید بر انگیزه های قوی مذهبی و روابط عمیق بین حکومت اسلامی و مردم بتوان از حضور آنان در امور نظامی در سطح وسیعی بهره برداری نمود.

ذکر این نکته ضروری است که اساساً، ایران نمی تواند بر نیروهای نظامی آماده، متکی باشد زیرا، در اینصورت علیرغم هزینه های سنگین، نیروهای آماده جوابگوی نیازمندی های دفاعی نخواهند بود. همراه با سازمان فوق و نیز در صورت عدم موفقیت تمامی این سازمان در دفاع از کشور در شرایط بحرانی (اشغال نظامی و مقابله با اغتشاشات، کشیده شدن جنگ به شهرها و محله ها و ...)، ضروری است مردم از قبل، آمادگی های لازم را کسب نموده، بتوانند در مقابل دشمن، بطور همه جانبه ای از کشور دفاع نمایند. از اینرو آموزش و سازماندهی مردم جهت پشتیبانی سازمان نظامی منظم و نیز سازمانهای مقاومت محلی و دفاع غیر نظامی می بایستی در زمان صلح در همه جای کشور تشکیل شوند، تا بتوانند در مواقع اضطراری نقش مهم خویش را ایفا کنند. بنابراین ضروری است آحاد مردم در زمان صلح، همزمان در همه جای کشور برای شرکت در ۳ ماموریت دفاع از سرزمین، مقاومت محلی و دفاع غیر نظامی، آموزش و سازماندهی شوند.

نوشتار حاضر تلاشی است در جهت ارائه ضوابط نیازهای یک الگوی موفق دفاع مردمی، که با شناخت دقیق این ضوابط می توان طرح مناسب و عملی در آموزش و سازماندهی نیروهای مردمی ارائه داد.

ضوابط و ضروریات الگوی موفق دفاعی مردمی

برای شناخت این ضوابط و نیازها، ابتدا باید تهدیدات و خطراتی که جامعه ایران را از جنبه نظامی تهدید می‌کند، مورد بررسی قرار داد تا بر اساس آن بتوان به دسته بندی‌های کلی در نحوه سازماندهی مردمی دست یافت. در این مورد، تهدیدات زیر را می‌توان بطور مجزا مطرح کرد:

الف: تهدیداتی که توسط واحدهای نظامی منظم یا غیر منظم دشمن از مرزهای کشورها و با اشغال بعضی از مناطق کشور انجام می‌پذیرد.

ب: تهدیداتی که توسط گروهها و جریانات وابسته داخلی در یکی از نقاط کشور (استان - شهر - روستا و محله) شروع شده، گسترش یابد.

ج: تهدیداتی که توسط واحدهای هوایی یا موشکی دشمن در عمق خاک کشور بر علیه تاسیسات اقتصادی و نظامی و مردم انجام پذیرد.

د: تهدیداتی که با برنامه ریزی و هدایت دشمنان بصورت یک جریان خزنده اجتماعی با هدف نابودی ارزشهای انقلاب انجام پذیرد، که از آن با عنوان «تهاجم فرهنگی» یاد می‌شود.

سازماندهی و دفاع نیروها در برابر تهدیدات دشمن، بر اساس نوع آن متفاوت است. این سازماندهی‌ها بطور خلاصه به گونه‌های ذیل تقسیم بندی می‌شوند:

- ۱ - آموزش و سازماندهی مردم در واحدهای دفاع نظامی منظم
- ۲ - آموزش و سازماندهی مردم در واحدهای دفاع نظامی (مقاومت) محلی
- ۳ - آموزش و سازماندهی مردم در واحدهای دفاع غیرنظامی، همیاری‌های مردمی و مقابله با سایر جریانات و انحرافات (تهاجم فرهنگی)

۱. سازماندهی مردم در دفاع منظم

همانگونه که پیشتر اشاره شد، خنثی کردن حملات نظامی دشمن و برتری بر آن، در گرو برخورداری از نیروهای انسانی آموزش دیده و مقتدر است. در جنگهای شدید و طولانی مدت، ملت‌هایی پیروز می‌شوند که علاوه بر داشتن تجهیزات کافی نظامی، عده زیادی از مردم باروحیه قوی، بطور مداوم و موثر وارد نبرد شوند. به همین منظور نیازهای این نیروها

در سه وضعیت زمان صلح، آماده باش (تشخیص تهدید) و نیز در جنگ، می‌بایستی مورد بررسی قرار گیرند.

سازمان نظامی در زمان صلح

آمادگی این سازمان و توانایی آن در انجام وظائف نظامی در زمان صلح موجب اطمینان دفاعی بیشتر کشور خواهد بود. لذا، این سازمان باید بتواند وظایف عمده‌ای از قبیل: آموزش و سازماندهی مردم، مانور، و تمرین طرحهای دفاعی و طرحهای سازماندهی، انجام ماموریتهای دائم نظامی (نظیر امور دفاع هوایی)، استقرار و اداره مستمر شبکه اطلاعاتی و شبکه مراقبتی، تأمین (ساخت یا خرید) تجهیزات نظامی و نگهداری آنها، فعالیتهای مهندسی بر اساس طرحهای دفاعی، تأمین خدمات پرسنل شاغل در سازماندهی نظامی و آمادگی جهت مقابله و دفع تعرضات محدود رابه انجام برساند. برای انجام این وظایف نیروهای «کادر» و «نیروهای مردمی» که خدمت دوره ضرورت را از این طریق می‌گذرانند، می‌توانند مورد استفاده قرار گیرند.

سازمان نظامی در زمان آماده باش (تشخیص تهدید)

در این حالت سازمان بایستی به میزان نیاز دفاعی کشور، سریعاً توسعه یافته، مطابق طرحهای دفاعی که از قبل پیش بینی شده است، برای دفع تهدید آماده شود. لذا بابکار گرفتن بخشی از واحدهای رزمی با ترکیب سازمان زمان صلح تکمیل واحدهای رزمی ناقص، تبدیل برخی از واحدهای رزمی به واحدهای بزرگتر (نظیر تبدیل تیپ زرهی به لشکر پیاده مکانیزه) و همچنین با ایجاد مقدمات تشکیل واحدهای رزمی جدید (در صورت ضرورت)، تغییرات لازم در جهت مقابله با تهدیدات دشمن انجام می‌پذیرد.

لازم به تأکید است که با توجه به اهمیت زمان و حساسیت آن، در تغییرات این دوره اقداماتی نظیر پیش بینی تأمین کادر، فراخوانی نیروهای مردمی اعم از احتیاط، بسیج و نیز پیش بینی تأمین تجهیزات تخصصی و عمومی می‌بایستی از پیش انجام گرفته و آماده باشد.

سازمان نظامی در زمان درگیری (جنگ)

برای کسب موفقیت در جنگ بخصوص نبرد دراز مدت، ضروری است ضمن درگیری، تحولاتی متناسب با شرایط این دوره، صورت پذیرد. مهمترین تغییراتی که می‌تواند در این دوره اتفاق بیفتد، اقدام سازمان یافته‌ای در جهت ترمیم، بازسازی و جایگزینی یگانهای آسیب دیده است. به همین منظور، همواره بایستی تعدادی نیرو در رده های تخصصی، در اختیار سازمان قرار گیرد تا ضامن حفظ توان رزمی در طول جنگ باشد. همچنین تحول یگانهای سبک به یگانهای سنگین، توسعه استعداد رزمی یگانها، ایجاد و سازماندهی واحدهای رزمی موقت و سبک و نیز بکارگیری آنها می‌تواند توان نظامی را افزایش دهد. به ویژه هنگامی که در جهت نابودی قطعی و یا موضعی دشمن در جهت فریب آن اقدامی صورت می‌پذیرد و نیز جبهه های کم تحرک و کم خطر برای استقرار در خطوط پدافندی ضعیف و آزاد سازی یگانهای مانوری، بطور موقت بکار گرفته می‌شود.

برای اطمینان از توان انجام تحولات لازم تأمین مواردی چون ذخیره، لجستیکی کافی، بکارگیری روش های مطمئن در تأمین نیرو (اعم از نیروهای مردمی و کادر) و همچنین حفظ انگیزه ادامه نبرد بمدت مورد نیاز، بایستی مورد توجه قرار گیرد.

بنابراین، می‌توان کلیه نیروهای انسانی مورد نیاز جهت سازمان نظامی منظم را بصورت زیر طبقه بندی نمود:

۱ - کادر نظامی (عضورسمی نیروهای مسلح) ۲ - کادر نظامی غیر شاغل این افراد در زمان صلح در ارگانهای غیر نظامی شاغلند و در زمان جنگ و بحران بصورت داوطلب یا موظف به نیروهای مسلح می‌پیوندند) ۳ - نیروهای مردمی در حال خدمت ۴ - نیروهای آماده به خدمت داوطلب ۵ - نیروهای مردمی احتیاط و ذخیره که بصورت موظف یا داوطلب فراخوانی و بکارگمارده می‌شوند.

۲- سازماندهی مردم جهت مقاومت محلی

کیفیت سازماندهی مردم جهت مقاومت محلی در شرائط گوناگون بااهداف متفاوت، به صورت های تحقیق یافته، دارای وظایف خاصی خواهند بود.

مقاومت محلی در شرائط عادی

این امر به سازماندهی مردم در شرائط عادی اختصاص دارد. شرایطی که در آن هیچ بحران و اغتشاشی وجود ندارد. در این موقعیت ماموریت‌هایی از قبیل کمک در امنیت شهر، روستا و محله، جمع آوری اطلاعات محلی و کمک به سازمان امنیت محلی، جذب، پذیرش، آموزش، سازماندهی و حفظ انسجام مردم و نیز کمک در حفظ شعائر و دست‌آوردهای انقلاب با حضور موثر در صحنه‌های مختلف در اولویت قرار می‌گیرند.

مقاومت محلی در زمان اغتشاش داخلی

از آنجا که اکثر اغتشاشات با استفاده از پاره‌ای از افراد ناراضی و فریب خورده در شهرها و محلات یا موسسات (دانشگاهها، کارخانجات و...) انجام می‌شود، لذا، بهترین نوع مقابله در این شرایط استفاده از مردمی است که دارای انگیزه دفاع از نظام هستند و به عنوان مدافعان واقعی نظام تلقی می‌شوند. در چنین مواقعی افراد معتقد محل براحتی عناصر مخرب را شناسایی کرده، در جهت رویارویی با آنان بر آیند. لازم به تأکید است که به منظور جلوگیری از هرج و مرج اجتماعی، می‌توان محور این گونه برخوردها را بر عهده نیروهای نظامی و انتظامی قرار داد. عمده ترین وظایف نیروهای مقاومت محلی در چنین شرایطی، اموری از قبیل جمع آوری اطلاعات عملی و تشکیل واحدهای ضربت محلی برای مقابله با اغتشاشات می‌باشد.

سازمان مقاومت محلی در دفاع شهری

هرگاه شهر در محاصره دشمن قرار گیرد، دفاع شهری وارد عمل می‌شود. در چنین شرایطی (طبق مکانیزمی که قبلاً توضیح داده شد) مردم از طریق سازمان نظامی منظم و یا تشکیل واحدهای رزمی جدید و اضطراری، در کنار سازمان نظامی منظم به وظیفه دفاع از شهر می‌پردازند. در چنین شرایطی دو حالت زیر ممکن است پیش آید:

۱ - هرگاه سازمان نظامی منظم کار آئی و حضور بموقع خود را در دفاع از شهر حفظ کرده باشد، می‌تواند بر اساس مکانیزم از پیش تعیین شده با بکارگیری نیروهای آموزش دیده و موظف مردمی، محور رویارویی با تهاجمات قرار گرفته، وظایفی از قبیل: کمک به سازمان

منظم برای فراخوانی مردم، ایجاد امنیت داخلی و مشارکت ایجاد واحدهای رزمی اضطراری را بر عهده گیرد.

۲ - زمانی که سازمان نظامی منظم فاقد حضور و کارائی موثر باشد، سازمان مقاومت محلی باید به منظور رویارویی با دشمن به ایجاد واحدهای رزمی و امنیت داخلی همت گمارد.

سازمان مقاومت محلی در زمان اشغال شهر

در زمان اشغال شهر، سازمان مقاومت محلی می‌تواند مهمترین و خطرناکترین نقش خود را ایفا کند. اگر این سازمان بتواند در شرایط اشغال شهرها با عملیات ویژه خود از قبیل جنگهای محلی، دشمن را فلج کرده، با ضربه زدن به سازمان نیروئی دشمن، تجهیزات و ماشین جنگی آن را از کار بیاندازد، حکومت مرکزی می‌تواند در سایه این مقاومت‌ها و شکست دشمن در شهرها مجدداً پایگیرد. نتیجه گیری از مجموعه وضعیت‌های فوق با استثنای وضعیت سوم (آنهم در حالت خاص)، فعالیت این سازمان، در شرایطی است که حکومت فاقد اقتدار است (حالت چهارم). و یا نوع ماموریت به شکلی است که صرفاً افراد داوطلب و ویژه (به لحاظ اعتقادات و انگیزه‌ها) قادرند چنین ماموریتی را انجام دهند (حالت اول و دوم و چهارم). لذا مهمترین شرایط خدمت در این سازمان وجود اعتقادات قوی و انگیزه‌های والای داوطلبان می‌باشد. از طرف دیگر «داوطلبانه بودن خدمت مردم» در سازمان‌های نظامی اساس یک سازماندهی منظم و ضمانت دار را خدشه‌دار می‌سازد. لذا برای ایجاد ضمانت اجرایی کافی و عمومیت پیدا کردن آن باید فعالیت‌های زیر را انجام داد.

۱ - باید از طریق فعالیت‌های فرهنگی و سیاسی انگیزه دفاع از حیثیت و ناموس و دین را در مردم زنده نگه داشت.

۲ - با آموزش‌های لازم و حفظ ارتباط دائم و منظم با افراد، نظامی بودن را بعنوان شغل دوم برای آنها مطرح و درونی نمود.

سازماندهی مردم جهت دفاع غیر نظامی و همیاریهای مردمی

از جمله عملیات مهم و فرسایشی هنگام جنگ که با هدف درهم کوبیدن مقاومت روحیه مردم شهرها و نیز از بین بردن تاسیسات حیاتی نظامی و اقتصادی و در نتیجه زیر

فشار قراردادن حکومت مرکزی از جنبه‌های مردمی و اقتصادی، انجام می‌پذیرد، بمباران، گلوله باران و زدن موشک به شهرها، مراکز اقتصادی و نظامی پشت جبهه است. دفاع غیر نظامی در این خصوص وظیفه دارد با اتخاذ تدابیر اصولی لازم، کلیه موسسات اقتصادی، صنعتی، نظامی، ادارات و اماکن عمومی را به یک سیستم «خود حفاظتی» در مقابل تهدیدات یاد شده، مجهز نماید و با ایجاد پناهگاهها و بیمارستانهای حفاظت شده «زیرزمینی» در کلیه مراکز عمومی و خصوصی شرایط زندگی مردم و نیز جریان کار در ادارات، مراکز اقتصادی و صنعتی را بگونه‌ای تنظیم نماید که در شرایط بحرانی، مردم و دولت بتوانند با اندکی تلاش بیشتر و تحمل سختی به کار عادی و فعالیتهای اقتصادی و فرهنگی خود ادامه دهند. همچنین سازماندهی و انجام مردم در واحدهای مناسب، بمنظور عملیات امداد و نجات در مناطق آسیب دیده و نیز سایر همبازیهای مردمی می‌تواند مشارکت جدی مردم در جریان دفاع غیر نظامی اعم از آموزش سایر افراد، پناهگاه سازی به کمک امکانات و توان مردم، اسکان افراد آسیب دیده و یا تأمین آنان با استفاده از امکانات مردمی را تضمین کند.

از جمله فعالیت‌های مهم که مردم معتقد می‌توانند پس از آموزش و سازماندهی، بطور داوطلبانه انجام دهند، حضور در صحنه‌های مختلف انقلاب بمنظور حفظ شعائر و دفاع از دست آوردهای انقلاب (مبارزه با تهاجم فرهنگی و امر به معروف و نهی از منکر و اجرای نهی از منکر) است. به همین منظور، ضروری است که مردم در محلات، ادارات و کارخانجات، بنوعی سازماندهی شوند که بتوانند در برابر تهدیدات اجتماعی، فرهنگی نقش خود را بصورت هدایت شده ایفا نمایند.

تجزیه و تحلیل

برای نیل به اهداف مذکور، در تجزیه و تحلیل سه نوع سازماندهی فوق‌الذکر، سه روش کلی را می‌توان از یکدیگر جدا نمود: ۱ - تکیه به آموزش و سازماندهی نیروهای داوطلب (بسیج) ۲ - تکیه به آموزش و سازماندهی نیروهای موظف که قانوناً در احتیاط بسر می‌برند. و در زمان جنگ بایستی احضار شده، انجام وظیفه نمایند. ۳ - آموزش و سازماندهی نیروهای احتیاط (موظف و بسیج)

اشکالات روش اول

۱ - دفاع از کشور امری است عمومی و بایستی روحیه و انگیزه دفاع در کلیه افراد واجد شرائط ایجاد گردد. لذا روش فوق عملاً دفاع را به قشر خاصی از جان گذشته منحصر می‌کند. ۲ - تجربه جنگ نشان داده است که امر اعزام و بکارگیری نیروهای بسیج متکی بر فصول مختلف سال، حجم و شیوه‌های تبلیغات، وضع جنگ (شکست‌ها و پیروزی‌ها) و وضع سیاسی کشور است. به گونه‌ای که در مواقعی جهت اجرای یک عملیات مهم با استفاده از تمام شیوه‌های تبلیغاتی حداقل نیروی لازم، فراهم نمی‌گردد و در مقابل، در شرائط و فصول دیگر که آمادگی کافی عملیاتی وجود نداشت افزایش حجم داوطلب به شدت چشم‌گیر بود. ۳ - نیروی داوطلب نوعاً به عملیات آفندی علاقه‌مند می‌باشد، لذا، در زمانهای نزدیک به عملیات حجم نیروهای اعزام شده افزایش یافته، به انجام مرحله اول عملیات این حجم بسرعت کاهش می‌یافت. درحالی‌که در بسیاری مواقع حفظ مناطق آزاد شده و پدافند نقاط حساس، نیازمند نیروهای عمده‌ای است که نوعاً مورد علاقه داوطلبان نبود. ۴ - فرماندهان عالی نظامی بایستی همواره بتوانند با اطمینان کامل از حکم نیروی موجود و نیز اعزام آگاهی یافته با قاطعیت طرح‌های عملیاتی خود را تهیه و نسبت به اجرای آن اقدام نمایند. تأکید یک جانبه بر نیروهای داوطلب، این امکان و اطمینان را از فرماندهان سلب می‌کند.

اشکالات روش دوم

۱ - تجربه جنگ تحمیلی نشان داده است که کارهای سخت و عملیات آفندی مشکل و نیز شکستن خطوط پدافندی مستحکم دشمن، عمدتاً توسط نیروهای بسیجی شهادت طلب، که دارای انگیزه کافی و روحیه قوی می‌باشند، انجام پذیرفته است. لذا تشکیلات نظامی جمهوری اسلامی که دارای حداقل تجهیزات نظامی پیشرفته می‌باشد، بدون اتکا و بهره‌گیری از چنین نیروهائی به هیچ وجه قادر نخواهد بود موفقیت جدی در فعالیت‌های نظامی (آفندی و پدافندی) داشته باشد.

۲ - پیروزی جمهوری اسلامی ایران در میدان جنگ مرهون فداکاری‌ها و جانبازی‌های

زنان و مردان عاشقی بود که بر دشمن یورش بردند. ناگفته پیداست که رمز پیروزی جمهوری اسلامی، حضور مردم شهادت طلب و حاضر در صحنه بوده است. بدیهی است این مهم، که علت پیدایش و تداوم پیروزی نهایی نیز می‌باشد، می‌تواند حفظ انقلاب، حضور و پشتیبانی نیروهای داوطلب و شهادت طلب در کلیه صحنه‌های انقلاب باشد. جنگ تحمیلی ثابت کرد که عدم حضور این نیروها شکست را به همراه داشته و انگیزه‌ها را نابود می‌سازد. لذا، بهترین راه حل، استفاده از نیروی بسیج و موظف و نیز تلاش در جهت افزایش داوطلبان و توسعه نیروهای مردمی می‌باشد. مبنا و اساس طراحی هم که در قسمت دوم مقاله حاضر در شماره بعدی مجله ارائه خواهد شد، متکی بر همین نتیجه‌گیری مهم است. بعبارت دیگر سازماندهی نیروهای انسانی (مردمی) بایستی بتواند علاوه بر داوطلب سازی، این نیروها را جذب، آموزش و سازماندهی کند و هم چنین نسبت به افراد غیر داوطلب (موظف) برنامه ریزی، آموزش، سازماندهی و بکارگیری داشته باشد.

در طرح مورد نظر سعی شده است راههای انطباق دو نیرو معرفی گردیده تا با ایجاد مکانیزمی خاص، آمادگی لازم جهت دفاع به عنوان خصیصه شخصیتی و طبیعی مردم بطور داوطلبانه صورت گیرد^(۱).

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱. مقاله حاضر قسمت اول خلاصه‌ای از پایان‌نامه کارشناسی ارشد محمدحسین زیبایی‌نژاد در رشته مدیریت می‌باشد که توسط مرکز مطالعات و پژوهش‌های ارتش بیست میلیونی تنظیم گردیده و بخش دوم مقاله در شماره بعدی به چاپ خواهد رسید.